

Lincoln and Guba scientific quality assessment criteria usage in determining of qualitative research validity and reliability

Maryam Amighi Roudsari¹, and Amir Davood Maslahatjoo²

1. Department of Curriculum, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: m.amighi.roudsari@iau-tub.ac.ir
2. Department of Architecture, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. E-mail: mobini@ut.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/09/20

Received in revised:

2025/10/14

Accepted: 2025/10/22

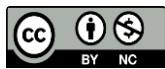
Available online: 2025/11/11

Keywords:

Qualitative Research, Validity and Reliability, Credibility, Transferability, Dependability, Confirmability.

Qualitative research, as part of the social sciences, imitates general practices in other social research; these features are much more distinctive and in contrast to other methods of conducting social research. However, contrasting working methods along with alternative perspectives have led to an ongoing discussion about differences between what is commonly known as qualitative and quantitative methods. In the meantime, the validity and reliability of research data have always been one of the most challenging issues in this scientific method; which has led qualitative researchers - like quantitative researchers - to seek robustness of research data. To this end, Lincoln and Guba (1985) have introduced criteria to achieve a clear picture of qualitative research position in the broad field of social research; which evaluates qualitative studies based on the indicators of credibility, transferability, reliability, and confirmability. This research, with the aim of investigating the scientific accuracy and precision of qualitative studies based on the views of Guba and Lincoln, attempts to reinterpret and present existing knowledge in the field of research methodology based on four qualitative criteria and ways to achieve them in order to increase the robustness of the data, in a promotional study using a compilation method.

Cite this article: Amighi Roudsari, Maryam; Maslahatjoo, Amir Davood (2025). Lincoln and Guba scientific quality assessment criteria usage in determining of qualitative research validity and reliability, *Applied Scientometric Studies*, 2(3), 25 - 45. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.14854.1079>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/apss.2026.14854.1079>

کاربست معیارهای ارزیابی کیفیت علمی لینکن و گوبا در تعیین روایی و پایایی پژوهش‌های کیفی

مریم آمیقی رودسری^۱ ، و امیرداود مصلحت‌جو^۲ 

۱. دکترای تخصصی گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: m.amighi.roudsari@iau-tub.ac.ir

۲. دکترای تخصصی گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. رایانامه: a.maslahatjoo@iau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش‌های کیفی بخشی از قلمروی علوم اجتماعی هستند که از رویه‌های کلی در دیگر پژوهش‌های اجتماعی تقلید می‌کنند. این ویژگی‌ها، بسیار متمایزتر و در تضاد با سایر روش‌های انجام دیگر پژوهش‌های اجتماعی است. حال آن‌که شیوه‌های کاری متضاد همراه با نگرش‌های جایگزین، به گفت‌وگویی مداوم درباره تفاوت‌های بین آن‌چه که به عنوان روش‌های کیفی و کمی رایج است منجر شده است. در این میان، اعتبار (روایی) و اطمینان (پایایی) داده‌های پژوهش، همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل موجود در این روش علمی بوده است؛ که محققین کیفی را - همانند پژوهشگران کمی - به دنبال استحکام داده‌های پژوهش برآورده است. بدین منظور، لینکن و گوبا (۱۹۸۵) برای دستیابی به تصویری واضح از جایگاه پژوهش کیفی در قلمروی وسیع پژوهش‌های اجتماعی، معیارهایی را معرفی کرده‌اند که مطالعات کیفی را براساس شاخص باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پژوهش، با هدف بررسی روش‌های تعیین روایی و پایایی در مطالعات کیفی و افزایش استحکام داده‌ها بر مبنای دیدگاه لینکن و گوبا، تلاش می‌کند تا در مطالعه‌ای ترویجی به روش تدوینی، به بازتفسیر و ارائه دانش موجود در حوزه روش‌شناسی پژوهش براساس چهار معیار کیفی و راه‌های دستیابی به آن بپردازد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

کلیدواژه‌ها:

پژوهش‌های کیفی، روایی و پایایی،

باورپذیری، انتقال‌پذیری،

اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری.

استناد: آمیقی رودسری، مریم؛ مصلحت‌جو، امیر داود (۱۴۰۴). کاربرد معیارهای ارزیابی کیفیت علمی لینکن و گوبا در تعیین روایی و پایایی پژوهش‌های کیفی.

مطالعات کاربردی علم‌سنجی، ۲ (۳)، ۴۵-۲۵. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.14854.1079>



۱. مقدمه

انجام مطالعات اجتماعی تجربی به روش کیفی و فضای تکوینی این روش پژوهش، بحث ارزیابی این پژوهش‌ها را بیش از پیش در کانون توجه قرار داده است. تا آن‌جا که محققان کیفی در تلاش‌ند ساختارهای عمیق دانشی را درک کنند که از برخورد رودررو و مستقیم با مشارکت‌کنندگان، گذراندن زمان بسیار در میدان مطالعه، و تفحص برای تحصیل معانی دقیق، حاصل می‌شود. علی‌رغم وجود اجماع در بین نظریه‌پردازان بر اهمیت و لزوم معیارهای ارزیابی کیفیت و نقش حیاتی آن‌ها، لیکن ماهیت این معیارها برای اندیشمندان، یگانه نبوده و انواع گونه‌گونی از استانداردها کیفیت پژوهش کیفی وجود دارد. هرچند در پژوهش‌های کمی، ادبیات ارزشیابی کیفیت پژوهش، بسیار غنی، توسعه‌یافته، و تا حد زیادی یک‌دست است، چراکه با توجه به تسلط تاریخی روش‌شناسی اثباتی کمی بر بخش عمده‌ای از نظریه و روش در علوم اجتماعی، غالباً چنین تصور شده که روش‌های کیفی بدون ساختار و رویه‌های منظم بوده و از اصول تعریف‌شده و کلاسیک روش‌های کمی اثباتی تبعیت نمی‌کنند. بر این مبنا، فرض شده است که نتایج و استدلال‌های مبتنی بر آن‌چندان متقن و قابل اعتماد نبوده و این نوع روش‌شناسی معیارهای ارزیابی و دقت‌پذیری ندارد. این در حالی است که روش‌شناسان و محققان کیفی در چند دهه اخیر، راهبردها و معیارهایی را برای ارزیابی کیفیت داده‌ها و نتایج پژوهش‌های کیفی ارائه داده‌اند که نسبت به معیارهای پژوهش‌های کمی بسیار متنوع‌تر به نظر می‌رسند. حال آن‌که پژوهش‌های کیفی باوجود تمام توان، غنا، و پتانسیل‌های اکتشافی، همواره از بابت کمبود دقت‌مندی مورد انتقاد بوده‌اند و در این میان، اعتبار (روایی) و اطمینان (پایایی) داده‌های پژوهش، همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل موجود در این روش علمی بوده است که محققین کیفی را - همانند پژوهشگران کمی - به دنبال استحکام داده‌های پژوهش برآورده و برای این منظور، شاخص‌هایی در نظر گرفته‌اند. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به چهار معیار کیفی لینکلن و گوبا^۱ اشاره کرد که مطالعات کیفی را براساس شاخص باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری، مورد ارزیابی قرار داده است. لینکلن و گوبا - از چهره‌های برجسته در پژوهش‌های کیفی - معیارهایی را برای ارزیابی معرفی کرده‌اند که به دنبال ایجاد دقت و قابلیت اعتماد، به‌ویژه با برجسته‌کردن جنبه‌هایی مانند باورپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان، و قابلیت تأیید در پژوهش‌های کیفی بوده است. حال آن‌که با وجود پذیرش گسترده معیارهای ارزیابی کیفیت علمی لینکلن و گوبا در ادبیات کیفی، همچنان مناقشات قابل توجهی درباره ارزش و مشروعیت آن در میان روش‌شناسان وجود دارد. چنان‌چه برخی پژوهشگران کمی این معیارها را صرفاً تغییر نام معیارهای سنتی کمی تلقی می‌کنند، لیکن آن‌چه محققان کیفی بر آن تأکید دارند این است که پژوهش‌های کیفی را نمی‌توان تنها گسترشی از الگوهای کمی به داده‌های غیرعددی دانست. این پژوهش، با هدف بررسی روش‌های تعیین روایی و پایایی در مطالعات کیفی بر مبنای دیدگاه لینکلن و گوبا، تلاش می‌کند تا برای افزایش استحکام داده‌ها، در مطالعه‌ای ترویجی به روش تدوینی، به بازتفسیر و ارائه دانش موجود در حوزه روش‌شناسی پژوهش بر اساس چهار معیار کیفی و راه‌های دستیابی به آن بپردازد.

۲. تاریخچه ظهور معیارهای ارزیابی در پژوهش‌های کیفی

در مطالعه و سازمان‌دهی ارزیابی صحت و دقت علمی مطالعات کیفی، تعیین برخی موضوعات مرتبط با آن امری دشوار است، چنان‌که ممکن است معیارهای اساسی و متداول، یگانه، و مورد توافق عموم نبوده و هر یک از نظریه‌پردازان و مکاتب گوناگون آن‌ها را با توجه به پیش‌فرض‌های پارادایمی خود ارائه دهند. در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، مسئله نبود آشکار استاندارد کیفیت در پژوهش‌های

کیفی از سوی دانشمندان علوم اجتماعی به شدت مورد بحث قرار گرفت. این مباحث منجر به آن گردید که استقبال محققان برجسته کیفی از معیارهای روایی و پایایی روش‌های کمی، کمتر شود. بدین ترتیب از میانه دهه ۱۹۸۰ میلادی، تلاش‌های متنوعی برای توسعه‌دادن به معیارهای جایگزین در مطالعات کیفی انجام شد. چنان‌که لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) با انجام تحلیل و تفسیر بر ۶۸ پژوهش کیفی - که در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ میلادی انجام شده بود - به بررسی و ارائه چارچوبی برای ارزیابی صحت و دقت علمی در مطالعات کیفی پرداختند که تا به امروز نیز یکی از مرسوم‌ترین معیارهای ارزیابی این پژوهش‌ها بوده است. جدول ۱ به بیان این فعالیت‌های علمی پرداخته است.

جدول ۱. توسعه معیارهای ارزیابی صحت و دقت علمی در مطالعات کیفی (عباس‌زاده و شمسی‌متنق، ۱۴۰۰، ۶۷-۹۵)

نام نظریه پرداز	سال	معیار روایی
لیکمپ و گوتز ^۱	۱۹۸۲	روایی درونی، روایی بیرونی، عینیت
لینکلن و گوبا	۱۹۸۵	باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری
گوبا و لینکلن	۱۹۸۹	ارزش حقیقت، کاربردپذیری، پایداری، بی‌طرفی
مارشال ^۲	۱۹۹۰	نکویی، قواعد کلی ضواید
اسمیت ^۳	۱۹۹۰	مؤلفه‌های اخلاق در علم اخلاق
آیزنهاارت و هوو ^۴	۱۹۹۲	کامل‌بودن، مناسب‌بودن، جامع‌بودن، قابل‌قبول‌بودن، معناداری
سندلوسکی ^۵	۱۹۹۳	قابل‌قبول‌بودن، مناسب‌بودن، قابلیت ارزیابی، تأییدپذیری، خلاقیت، هنرمندی
آلتید و جانسون ^۶	۱۹۹۴	محتمل‌بودن، ارتباط، قابل‌قبول‌بودن، اهمیت موضوع
لنینگر ^۷	۱۹۹۴	قابل‌قبول‌بودن، تأییدپذیری، معنا در متن، الگوی مکرر، اشباع، قابلیت انتقال
لینکلن	۱۹۹۵	موقعیت، اجماع، اعتراض، تفکر انتقادی، مقابله به مثل، تقدس، تقسیم حقوق
ماکسول ^۸	۱۹۹۶	اعتبار توصیفی، اعتبار تفسیری، اعتبار نظری، اعتبار ارزشیابی، تعمیم‌پذیری
تورن ^۹	۱۹۹۷	انسجام روش‌شناختی، قابل‌قبول‌بودن، نمایه، منطق تحلیلی، اقتدار تفسیری
انجن ^{۱۰}	۲۰۰۰	اعتبار اخلاقی، اعتبار کاربردی
توبین و بگلی ^{۱۱}	۲۰۰۴	بنیاد معرفت‌شناختی، بنیاد نظری، رویکرد روش‌شناختی، روش جمع‌آوری داده‌ها، بازنمایی صدای محقق و مشارکت‌کننده، ذهنیت‌های چندگانه، هنر معناسازی، روش‌های فنی
تدلی و تشکری ^{۱۲}	۲۰۰۹	تناسب/سازگاری طرح، وفاداری/کفایت طرح، قوام درونی طرح، کفایت تحلیل، قوام تفسیر، قوام نظری، توافق تفاسیر، تمایز تفسیری، اثربخشی یکپارچه، مطابقت تفسیری
بريمن ^{۱۳}	۲۰۱۶	مستندات لحاظ موضوعات اخلاقی
یین ^{۱۴}	۲۰۱۶	شفافیت و روش‌مندی
راسل و دیگران ^{۱۵}	۲۰۱۶	مسئله‌مندسازی براساس تحلیل انتقادی بنیادی (با زیرسؤال‌بردن مفروضات و پیش‌فرض‌ها)

- Licamp and Guetes
- Marshall
- Smith
- Eisenheart and Hovo
- Sandeloveski
- Altied and Johnson
- Lenninguer
- Maxwell
- Torn
- Engen
- Tobin and Begley
- Teddle and Tashakkori
- Briman
- Yin
- Russell and et al

نام نظریه‌پرداز	سال	معیار روایی
مارشال و رزمن ^۱	۲۰۱۶	قابل قبول بودن، قابلیت انتقال، قابلیت اتکاء، تأییدپذیری، تکرارپذیری (متناسب با ویژگی‌های روش پژوهش)
کومبز ^۲	۲۰۱۷	انسجام، شفافیت
پوچر و دیگران ^۳	۲۰۱۹	انسجام روش‌شناختی

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش یک فرایند ساختاریافته برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها یا مشاهدات است که به منظور دستیابی به اطلاعات جدید و یا درک بهتر یک موضوع خاص، استفاده می‌شود. از این رو، انتخاب یک روش پژوهشی مناسب، یکی از مراحل مهم در هر پژوهش و از مهمترین ارکان یک پژوهش علمی محسوب می‌شود که به چگونگی و چرایی اجرای هر بخش از پژوهش مرتبط است. آن‌چنان که به‌طور دقیق‌تر بتوان گفت چگونه یک محقق به‌طور نظام‌مند و منظم یک مطالعه را طراحی می‌کند تا یافته‌های معتبر و قابل اعتمادی اطمینانی ایجاد کند و به اهداف پژوهش برسد (حیاتی و علیجانی، ۱۳۹۹). در این میان، یکی از انواع مقالات علمی، مقاله ترویجی است که در آن، پژوهشگر با تمرکز بر یک پرسش (اولیه) در طول مقاله سعی می‌کند تا با مرور مطالعات و پژوهش‌ها انجام‌شده، به بررسی شواهد و تجزیه و تحلیل موضوع در راستای ارائه پاسخ به آن پرسش نائل آید. بدین ترتیب نتیجه نهایی از میان پژوهش‌های منتخب، استخراج و ارزیابی می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی روش‌های تعیین روایی و پایایی در مطالعات کیفی بر مبنای دیدگاه لینکلن و گوبا، ضمن مطالعه مروری موضوع تلاش می‌کند تا به منظور افزایش استحکام داده‌ها، در مطالعه‌ای ترویجی به روش تدوینی، به بازتفسیر و ارائه دانش موجود در حوزه روش‌شناسی پژوهش براساس چهار معیار کیفی و راه‌های دستیابی به آن، بپردازد.

۴. چارچوب‌ها و مبانی نظری ادبیات پژوهش

همانند پژوهش‌های کمی، پژوهش‌های کیفی نیز معیارهایی دارند که می‌توانند برای ارزیابی کیفیت پژوهش استفاده شوند. چنان‌که مدل‌های مختلف و تأکید بر استانداردهای مشروعیت‌بخشی به پژوهش‌های کیفی و کیفیت ارزیابی پژوهش‌های کیفی به‌طور کلی گواهی بر اهمیت قابل اعتماد بودن پژوهش^۴ است. مورس^۵ (۲۰۱۶) معتقدند که بدون صحت و اعتماد، پژوهش بی‌ارزش است، به داستان تبدیل می‌شود، و کاربرد خود را از دست می‌دهد. به همین ترتیب، پژوهشی که قابلیت اعتماد نداشته باشد، در صورت برای اهداف تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، پیامدهای مضر به همراه خواهد داشت. به عقیده کرسول^۶ (۲۰۱۳)، پژوهش‌های کیفی بیشتر در صورت قابل اعتماد بودن، دقیق تلقی می‌شوند. با این حال، بحث در مورد ارزیابی صحت و دقت در واقعیت، از جمله پیشنهاد‌های مؤثر در مورد عناصر تشکیل‌دهنده و در خط مقدم ارزیابی پژوهش‌های کیفی است. حال آن‌که اغلب منجر به انبوهی از اصطلاحات و معیارهایی می‌شود که به‌جای شفاف‌سازی و روشن کردن مفهوم، آن را تضعیف می‌کنند (کافمن^۷، ۲۰۲۵).

مبانی پژوهش‌های کیفی - به‌ویژه چارچوب‌های توسعه‌یافته توسط لینکلن و گوبا - را می‌توان در مجموعه‌ای از پارادایم‌ها و روش‌شناسی‌های تأثیرگذار - که در اواخر قرن بیستم میلادی ظهور کرده‌اند - ردیابی کرد. از دهه ۱۹۸۰ میلادی، پژوهش‌های کیفی در رشته‌های مختلف، اهمیت یافته و روش‌ها و رویکردهای خود را برای پرداخت بهتر به پدیده‌های پیچیده اجتماعی، گسترش داده

1. Marshall and Roseman
2. Comdbze
3. Powtcher and et al
4. Trustworthiness
5. Morse
6. Creswell
7. Kaufmann

است (لانگتری و دیگران، ۲۰۱۹، ۱۷). به عقیده محققان، معیارهای کمی سنتی (روایی و پایایی)، به‌طور کامل در زمینه‌های کیفی قابل استفاده نیستند. بدین ترتیب، نتیجه بررسی معیارهای جایگزین برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی، به توسعه چارچوب‌هایی مانند چارچوب‌های پیشنهادی لینکلن و گوبا منجر شد (رولر و رولر^۲، ۲۰۲۰).

لینکلن و گوبا در مطالعات مهم خود، مجموعه‌ای از معیارهای ارزیابی را معرفی کرده‌اند که به‌طور خاص برای پژوهش‌های کیفی، طراحی، و به‌عنوان معیارهایی برای پرداختن به مسائل مربوط به ارزش حقیقت، کاربردپذیری، سازگاری و بی‌طرفی، توصیف شده بودند (نوبل و اسمیت^۳، ۲۰۱۵، ۳۵-۳۴). چارچوب لینکلن و گوبا، بر اهمیت درک زمینه‌ای تأکید می‌کند و فرض می‌کند که معانی حاصل از مطالعات کیفی، نوظهور هستند و به‌شدت از زمینه‌هایی تأثیر می‌پذیرند که پژوهش در آن رخ می‌دهد (گلاسر^۴، ۲۰۰۷، ۱۱۴-۱۳۲). این فاصله‌گرفتن از دیدگاه‌های سنتی عینی، نشان‌دهنده تغییرات گسترده‌ای بر درک تولید دانش در علوم اجتماعی بوده است. حال آن‌که علی‌رغم تدوین معیارهای لینکلن و گوبا، حوزه مطالعات کیفی با بحث‌های مداومی در مورد ماهیت دقت در پژوهش روبه‌رو بوده است، چنان‌که منتقدان معتقدند الگوهای تثبیت‌شده ممکن است ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های ذاتی در پژوهش کیفی را نادیده بگیرند (انورو^۵، ۲۰۲۳، ۳۸۴-۳۷۲). برای مثال، اگرچه تأکید لینکلن و گوبا بر زمینه تأثیرگذار بوده است، لیکن سؤالاتی را در مورد سوگیری‌های بالقوه‌ای که محققان ممکن است در مطالعات خود وارد کنند نیز مطرح کرده است (ادلر^۶، ۲۰۲۲، ۶۰۲-۳۹۸). چنین انتقاداتی، ماهیت پویا و تکراری پژوهش‌های کیفی را برجسته می‌کند و محققان را تشویق می‌کند تا به‌طور مستمر در مورد روش‌های خود تأمل کرده و آن‌ها را اصلاح کنند. جدول ۲ به توصیف معیارهای ارزیابی براساس دیدگاه نظریه‌پردازان روش‌شناسی پرداخته است. هم‌چنین، راهبردهای ارتقاء صحت و دقت علمی در پژوهش‌های کیفی در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۲. معیارهای ارزیابی در مطالعات کیفی بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان روش‌شناسی

معیارهای ارزیابی	روش‌شناسان
معیار قابل اعتماد بودن؛ شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری	لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)
معیار زاویه‌بندی؛ شامل زاویه‌بندی روش‌شناختی، زاویه‌بندی داده‌ای، زاویه‌بندی تحلیلی یا پژوهشگر، زاویه‌بندی نظریه - رویکرد.	دنزین ^۷ (۱۹۸۹)
زاویه‌بندی چندگانه، زاویه‌بندی تحلیلی، شرط کفایت.	کیمچی و دیگران ^۸ (۱۹۹۱)
درگیری طولانی‌مدت، مشاهده دیرپا و مضرانه، زاویه‌بندی، به‌کارگیری روش‌های دقیق انجام کار میدانی، باورپذیری محقق، باورداشت فلسفی در زمینه ارزش پژوهش کیفی.	بلشر ^۹ (۱۹۹۱)
کنترل بازنمایی، کنترل تأثیرات محقق، زاویه‌بندی، وزن‌بخشی به شواهد، تقابل‌سازی و تطبیق، استفاده از موارد افراطی، خط‌زدن روابط ساختگی، تکرار شدن يك یافته، کنترل تبیین‌های رقیب، جست‌وجوی شواهد منفی، بازخورد مطلعین.	میلز و هابرم ^{۱۰} (۱۹۹۴)
اعتبار پارالوژیک، اعتبار کنایه‌ای، اعتبار ریزوماتیک، اعتبار تجسم‌یافته، اعتبار جهش، اعتبار زودرس، اعتبار آزمندانه.	لاتر ^{۱۱} (۱۹۹۳)

1. Langtree and et al
2. Roller and Roller
3. Noble and Smith
4. Glaser
5. Enworo
6. Adler
7. Denzin
8. Kimchi and et al
9. Belcher
10. Mills and Huberman
11. Lather

معیارهای ارزیابی	روش‌شناسان
درستی، انسجام، دقت، فایده، سرزندگی، زیبایی‌شناسی	ملوی ^۱ (۱۹۹۴)
اعتبار توصیفی، اعتبار تفسیری، اعتبار نظری، اعتبار درونی کیفی.	ماکسول ^۲ (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۴)
آگاهی روش‌شناختی	سیل ^۳ (۱۹۹۹)
معیار قابل قبول بودن؛ شامل صحت هستی‌شناختی، آموزشی، عملی، تاکتیکی.	گوبا و لینکلن ^۴ (۱۹۸۹)
عینیت محقق، تغییر انتقادی، رویکرد انتقادی، عملی بودن، رعایت اصول، صحت و دقت، بررسی منظم، شایستگی ارزیاب، ترکیب و صداقت، احترام به افراد و انصاف، و مسئولیت‌پذیری در رفاه همگانی، در نظر گرفتن تنوع علایق و ارزش‌ها، معرفت‌یابی.	پاتون ^۵ (۲۰۰۱)
بنیان فلسفی (معرفت‌شناسی و نظریه)، رهیافت (روش‌شناسی)، گردآوری داده‌ها (تکنیک)، بازنمایی صدا (محقق و مشارکت‌کننده به عنوان سوژه‌های چندفرهنگی)، هنر معنابخشی (تفسیر و ارائه)، اشاره به روش‌های حرفه‌ای (توصیه‌ها و مشارکت).	توبین و بگلی (۲۰۰۴)؛ به پیروی از آرمینیو و هالتگر ^۶ (۲۰۰۲)
همسازی درونی، همسازی بیرونی، اعتبار اکولوژیکی، تاریخ طبیعی، اعتبار عضو، اجرای بومی.	نیومان ^۷ (۲۰۰۶؛ ۲۰۰۷)
باورپذیری تبیین، صحت ترجمه، نتایج نشان داده‌شده، نتایج قابل باور، تبیین‌های رقیب و تبیین‌های حذف‌شده، همسازی استنباطی.	تدلی و تشکری (۱۹۹۸؛ ۲۰۰۹)
اعتبار ارتباطی، اعتبار پراگماتیک، اعتبار پژوهش، اعتبار کنش.	کوال و اسوند ^۸ (۲۰۰۹)

جدول ۳. راهبردهای ارتقاء صحت و دقت علمی در پژوهش‌های کیفی

راهبردهای ارتقاء کیفیت در پژوهش‌های کیفی	روش‌شناسان
تحلیل مورد منفی، کفایت استنباطی، کنترل عضو، درگیری طولانی‌مدت، مشاهده مصرانه، تکنیک‌های زاویه‌بندی، داورخوانی، توصیف ضخیم، دآوری اطمینان‌پذیری، دآوری تأییدپذیری، محقق بازنگر.	لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)
کنترل بازنمایی، کنترل تأثیرات محقق، زاویه‌بندی، وزن‌بخشی به شواهد، تقابل‌سازی و تطبیق، کنترل معنای داده‌های پرت، استفاده از موارد افراطی، خط‌زدن روابط ساختگی، تکرارشدن يك یافته، کنترل تبیین‌های رقیب، جستجوی شواهد منفی، بازخورد مطلعین.	میلز و هابرم (۱۹۹۴)
اصل ابطلال‌پذیری، روش مقایسه‌های ثابت، بحث جامع داده‌ای، تحلیل موردمنحرف، ساخت نظریات مقید، عمق تحلیلی، داشتن سهم عملی، به‌کارگیری رهیافت خودانتقادی.	سیلورمن ^۹ (۲۰۰۵)
محقق به‌مثابه کارآگاه، حذف تبیین‌های جایگزین، کار میدانی گسترده، توصیف‌گرهای با استنباط پایین، زاویه‌بندی داده‌ای، زاویه‌بندی روش‌ها، زاویه‌بندی پژوهشگر، زاویه‌بندی نظریه، بازخورد مشارکت‌کننده، بازنگری داور، تشخیص خارجی، نمونه‌گیری موردمنفی، بازاندیشی، انطباق الگو.	جانسون و کریستنسن ^{۱۰} (۲۰۰۸)
پوشش نمونه، نمایش داده‌ها، شناسایی و برجسپ مقوله‌ها، تفسیر شواهد، تشریح پدیده.	ریچی و لویس ^{۱۱} (۲۰۰۵)

در تعریف مفهوم ارزیابی علمی مطالعات کیفی، لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) با معرفی یک دیدگاه جدید، معیارهای جدید و یک زبان جدید، بحث در مورد اعتبار و اعتماد پژوهش‌های کیفی را حل و فصل کردند. پیش از آن، محققان کمی، پژوهش‌های کیفی را به دلیل روش‌های آن که بدون دقت و ناتوانی در تولید نتایج معتبر تلقی می‌شدند، بی‌ارزش می‌دانستند. ایده لینکلن و گوبا توانست - با

1. Meloy
2. Maxwell
3. Seale
4. Guba and Lincoln
5. Patton
6. Arminio and Hultgren
7. Neuman
8. Kvale and Svend
9. Silverman
10. Johnson and Christensen
11. Ritchie and Lewis

توجه به کمبود دانش در مورد چگونگی اعمال ارزیابی در الگوی طبیعت‌گرایانه، استفاده از معیارهای متعارف به‌عنوان معادل‌ها یا همتایی استقرایی - نقطه‌آغازی ممکن و مفید برای تعیین صحت و دقت پژوهش‌ها کیفی قرار گیرد. به همین دلیل است که اصطلاح «قابل‌اعتمادبودن» به‌مثابه اصطلاحی موازی (با معیار «قابل‌قبول‌بودن» در پژوهش‌های کمی)، استفاده شد (فررو آلوارز و دیگران^۱، ۲۰۲۵، ۲). اجزاء «معیارهای موازی» لینکلن و گوبا - که به‌عنوان «معیارهای چهاربعدی»^۲ نیز شناخته می‌شوند - بدین شرح است:

- **باورپذیری^۳**: به مقداری که یافته‌های پژوهش به‌طور دقیق تجربیات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد، مربوط می‌شود. این مفهوم، مشابه مفهوم «روایی درونی» در پژوهش‌های کمی است. استراتژی‌های افزایش اعتبار مشتمل بر مشارکت طولانی‌مدت در محیط پژوهش، مشاهده مستمر، و بررسی از سوی اعضا از تفاسیر محقق است (هیق و دیگران^۴، ۲۰۲۳). علاوه‌بر این، مثلث‌سازی (با استفاده از منابع داده یا محققان متعدد) می‌تواند با تأیید یافته‌ها، اعتبار و باورپذیری پژوهش را تقویت کند (سامپورنم^۵، ۲۰۱۸، ۱۵۲-۱۵۱). معیارهای اعتبار کیفی مشمول اثبات این است که نتایج پژوهش‌های کیفی تا چه اندازه از دیدگاه شرکت‌کننده در پژوهش معتبر یا باورپذیر هستند. از این منظر، هدف پژوهش‌های کیفی، توصیف یا درک پدیده‌های مورد علاقه مشارکت‌کنندگان است که می‌تواند به‌طور مشروع در مورد اعتبار نتایج قضاوت کنند (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵).

- **انتقال‌پذیری^۶**: به قابلیت کاربرد یافته‌های پژوهش در سایر زمینه‌ها یا جمعیت‌ها اشاره دارد. این مفهوم، مشابه مفهوم «روایی بیرونی» در پژوهش‌های کمی است و برخلاف پژوهش‌های کمی - که به‌دنبال تعمیم آماری است - بر ارائه توصیفات غنی تمرکز دارد که به مخاطب اجازه می‌دهد که تعیین کند چگونه یافته‌ها ممکن است در زمینه‌های خود جای گیرند (مک‌لود^۷، ۲۰۲۴). برای افزایش انتقال‌پذیری، محققان به توصیفات دقیق از زمینه پژوهش، ویژگی‌های شرکت‌کنندگان، و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها روی می‌آورند و از این راه، مخاطبان را قادر می‌سازند تا ارتباط یافته‌ها را ارزیابی کنند (استالمیر و دیگران^۸، ۲۰۲۴). از دیدگاه کیفی، انتقال‌پذیری در درجه اول برعهده شخصی است که تعمیم را انجام می‌دهد. از این رو، محقق کیفی می‌تواند با انجام کامل توصیف زمینه پژوهش و فرضیاتی که در پژوهش نقش اساسی داشته‌اند، انتقال‌پذیری را افزایش داده، و فردی که مایل بر انتقال نتایج به زمینه دیگری است، مسئول قضاوت در مورد میزان معقول بودن انتقال را عهده‌دار شود (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵).

- **اطمینان‌پذیری^۹**: به ثبات و پایداری یافته‌های پژوهش در طول زمان مربوط می‌شود. این معیار، با مفهوم اعتماد (یا پایایی) در پژوهش‌های کمی مبتنی بر فرض تکرارپذیری قابل مقایسه است. برای افزایش قابلیت اطمینان، محققان باید مستندات کاملی را از فرایند پژوهش (از جمله توضیحات واضح در مورد طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، و روش‌های تجزیه و تحلیل)، نگهداری کنند. پیاده‌سازی یک مسیر ارزیابی، شفافیت، و قابلیت ردیابی را فراهم می‌کند که در صورت

1. Forero Álvarez and et al

2. Four-Dimensional Criteria (FDC)

3. Credibility

4. Haq and et al

5. Sampoornam

6. Transferability

7. McLeod

8. Stalmeijer and et al

9. Dependability

تکرار مطالعه، به تأیید ثبات یافته‌ها کمک می‌کند (شنتون^۱، ۲۰۰۴، ۷۵-۶۳). اساساً این دیدگاه به این موضوع می‌پردازد که آیا اگر می‌توانستیم امری را دوبار مشاهده کنیم، به نتایج یکسانی دست می‌یافتیم یا خیر؟! به‌رغم آن‌که در واقع نمی‌توان یک پدیده را دوبار اندازه‌گیری کرد. ایده اطمینان‌پذیری بر نیاز محقق به در نظر گرفتن مستمر زمینه در حال تغییر - که پژوهش در آن رخ می‌دهد - تأکید می‌کند. از این منظر، فرایند پژوهش مسئول توصیف تغییراتی است که در محیط رخ می‌دهد و این‌که چگونه این تغییرات بر نحوه رویکرد پژوهش به مطالعه تأثیر گذاشته است (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵).

• **تأییدپذیری^۲**: بر عینیت یافته‌های پژوهش تأکید دارد و تضمین می‌کند که آن‌ها را داده‌ها شکل داده‌اند و نه با جهت‌گیری‌ها یا پیش‌فرض‌های محقق. این معیار، جایگزین مفهوم «اعتماد عینی» در پژوهش‌های کمی است. استراتژی‌های افزایش قابلیت تأیید - مشتمل بر مشارکت در شیوه‌های انعکاسی (مانند ثبت وقایع بازتابی، گزارش‌گیری همتایان، و بررسی اعضا) - به میزانی اشاره دارد که نتایج می‌تواند از سوی دیگران مورد تأیید یا تکذیب قرار گیرد (شنتون، ۲۰۰۴، ۷۵-۶۳). تأییدپذیری، به کاهش سوگیری‌های بالقوه و افزایش اطمینان در نتایج پژوهش، کمک می‌کند (ادلر، ۲۰۲۲، ۵۹۸-۶۰۲). بدین تعبیر، پژوهش‌های کیفی تمایل دارند فرض کنند که هر شرکت‌کننده، دیدگاه منحصر به فردی را به مطالعه ارائه می‌دهد که محقق بتواند به‌طور فعال مواردی را که با مشاهدات قبلی مغایرت دارند، جست‌وجو، توصیف، و یا رد کند (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵).

معیارهای قابل اعتماد بودن لینکلن و گوبا - مشتمل بر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید - به منظور تضمین کیفیت و درستی یافته‌های پژوهش‌های کیفی به کار می‌روند. این معیارها به‌ترتیب، تضمین می‌کنند که یافته‌های پژوهش واقعی بوده‌اند، قابل تعمیم به موقعیت‌های مشابه هستند، مداوم و پایدارند و از نظر عینی قابل اثبات هستند. برای مثال، در پژوهش در مورد تجربیات مشارکت‌کنندگان در رویارویی با یک پدیده مشخص، قابلیت اعتبار (صحت یا باورپذیری) از طریق مصاحبه‌های عمیق به دست می‌آید، قابلیت انتقال (تعمیم یا انتقال‌پذیری) با ارائه جزئیات غنی از زمینه پژوهش فراهم می‌شود، قابلیت اطمینان (دقت یا اطمینان‌پذیری) با مستندسازی دقیق مراحل پژوهش حاصل می‌شود، و قابلیت تأیید (کنترل یا تأییدپذیری) از راه بازبینی یافته‌ها توسط خود شرکت‌کنندگان تضمین می‌شود. جدول ۴. به بیان معیارها، اهداف و استراتژی‌های اصلی لینکلن و گوبا برای قابل اعتماد بودن پژوهش می‌پردازد.

جدول ۴. قابل اعتماد بودن پژوهش: معیارها، اهداف و استراتژی‌های اصلی (گوبا و لینکلن، ۱۹۸۹)

معیارها	اهداف	استراتژی‌های اصلی
باورپذیری	فرایند پژوهش با صداقت انجام شده و نتایج نهایی مطالعه قابل اعتماد بوده است.	تعامل طولانی‌مدت، مشاهده مداوم، مثلث‌بندی، گزارش‌گیری از همتایان، تحلیل مورد منفی، کفایت ارجاع، بررسی‌های اعضا (فرایند و ترمینال).
انتقال‌پذیری	یافته‌های مطالعه را می‌توان به زمینه‌ها یا محیط‌های دیگر منتقل کرد یا تعمیم داد.	توصیف جامع برای فردی علاقه‌مند، ضروری است تا یافته‌های اصلی را به زمینه‌ها یا افراد دیگر منتقل کند.
اطمینان‌پذیری	پژوهش از همه جهات صحیح بوده و در صورت تکرار، نتایج مشابه خواهد داد.	استفاده از روش‌های هم‌پوشانی (مثلت‌سازی)، تکرار گام‌به‌گام (تقسیم داده‌ها و تکثیر تحلیل)، ممیزی استعلامی یا پیگیری ارزیابی

مئلث بندی، بازتاب پذیری، پیگیری ارزیابی	یافته‌های پژوهش مبتنی بر داده‌های تولیدشده و قابل تأیید (همتابان و اعضاء) هستند.	تأییدپذیری
---	--	------------

۵. نتایج و یافته‌ها

در دهه‌های اخیر، رویکردهای مختلف پژوهش کیفی سبب ایجاد روش‌های متفاوتی برای کسب روایی شده‌اند. چنان‌که لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) با بهره‌گیری از شیوه توصیفی و تحلیلی، بر آن بوده‌اند تا معیارهای قابل اعتماد بودن یک پژوهش کیفی را - مشتمل بر چهار معیار باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری - ارائه داده و روش‌هایی برای دستیابی به صحت و دقت علمی در مطالعات کیفی پیشنهاد کنند. نتایج نشان می‌دهند که توجه به این معیارها توانسته است به افزایش اطمینان مضاعف در پژوهش و ارتقاء سطح علمی آن بیفزاید. از این رو، استراتژی‌های دستیابی به معیارهای قابل اعتماد بودن در پژوهش‌های کیفی و راهکارهای کاربست انطباق این معیارها در پژوهش‌های علمی حائز اهمیت است تا بتوان اعتبار و اطمینان مطالعات کیفی را افزایش داده و قضاوتی خردمندانه در مورد این پژوهش‌ها به دست آورد.

استراتژی دستیابی به معیارهای قابل اعتماد بودن در پژوهش کیفی

ارزش پژوهش‌های علمی، به قابل اعتماد بودن پژوهش (اعم از کیفی، کمی و ترکیبی) است. چنان‌که محققان، معیارهایی را برای ارزیابی یافته‌های به‌دست‌آمده در طول فرایند پژوهش در نظر گرفته‌اند. اگرچه در حال حاضر، روایی و پایایی یافته‌های پژوهش‌های کیفی هنوز در برخی مجامع و مکاتب علمی - به‌ویژه در میان اثبات‌گرایان - بحث‌برانگیز بوده است، لیکن پژوهش‌های کیفی اخیر در بین محققان رواج یافته است. علی‌رغم آن‌که پیچیدگی مفهومی در ادبیات و اظهارات نامشخص، مخاطبانی را که به پژوهش‌های کیفی علاقه‌مند هستند، گمراه می‌کند. حال آن‌که در این زمینه، مفاهیم باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری در پژوهش‌های کیفی، معادل روایی درونی و روایی بیرونی، پایایی و سازگاری، و بی‌طرفی در پژوهش‌های کمی، مورد بررسی دقیق پژوهش‌گران قرار گرفته است. لذا ضروری است که محققان در طول فرایند پژوهش، سؤالاتی را - به‌طور مستمر - در نظر بگیرند تا به بازتاب معیارهای قابل اعتماد بودن داده‌های پژوهش انجامد. جدول ۵ به بیان این سؤالات کلیدی و جدول ۶ استراتژی‌های دستیابی به قابل اعتماد بودن را بیان می‌کند.

جدول ۵. سؤالات بازتابی مربوط به معیارهای قابل اعتماد بودن پژوهش (راویتش و کارل، ۲۰۱۹)

سؤالات کلیدی	معیار
چگونه می‌توان مطالعه‌ای طراحی کرد که پیچیدگی‌های پدیده‌ها را جست‌وجو کند و با پیچیدگی‌های دنیای واقعی، زمینه‌ها یا جوامع گوناگون درگیر شود؟	باورپذیری
چگونه معیارهای انتخاب حوزه پژوهشی و استراتژی نمونه‌گیری به توسعه یک زمینه معنادار و مبتنی بر واقعیت کمک می‌کنند؟	
سؤالات پژوهش چقدر با روش‌شناسی پژوهش هم‌سو هستند؟	
آیا با استفاده از منابع متعدد، یک مجموعه داده غنی و مکمل ایجاد شده است؟	
چگونه می‌توان الگوهایی را که در داده‌ها مشاهده می‌شود، تفسیر و استفاده کرد؟	
چگونه داده‌های پژوهش، تفسیر و درک خواهیم شد، در عین حالی که به فرضیات و سوگیری‌های احتمالی محقق نیز پرداخته می‌شود؟	
چگونه بخش‌هایی را که از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها پدیدار می‌شوند، در یک کل معنادار گرد هم خواهند آمد؟	

سؤالات کلیدی	معیار
شرکت‌کنندگان چه نقشی (یا نقش‌هایی) در شکل‌دهی به مطالعه و پشتیبانی یا به چالش کشیدن تفاسیر دارند؟	انتقال‌پذیری
چگونه می‌توان عوامل زمینه‌ای پژوهش را - که مطالعه را شکل می‌دهند و واسطه آن هستند - شناسایی کرد؟	
آیا اطلاعات و چارچوب‌بندی زمینه‌ای کافی در اختیار مخاطبان و مشارکت‌کنندگان قرار داده شده است تا به آن‌ها در درک یافته‌ها کمک کند؟	
چگونه می‌توان داده‌ها را به شیوه‌ای تفسیر و ارائه کرد که از نظر زمینه‌ای، معنادار و با یکدیگر مرتبط باشند؟	
چگونه می‌توان محیط پژوهش، شرکت‌کنندگان و ویژگی‌های خاص محیط را توصیف کرد؟	
آیا توضیحات به اندازه کافی دقیق بوده است؟	
آیا به‌طور کافی ارتباط و پیوستگی زمینه‌ای تحلیل و تفسیرها را توضیح داده شده است؟	اطمینان‌پذیری
چه چیزی در انتخاب روش‌های پژوهش مؤثر بوده و روش‌های پژوهش چگونه انتخاب شده است؟	
چه چیزی این روش‌های پژوهش را برای پرداختن به سؤالات پژوهش مناسب می‌کند؟	
روش‌های ارزیابی چگونه با سؤالات پژوهش هم‌سو می‌شوند؟	
آیا مطالعه با دقت و هدفمندی ساختاردهی شده است؟ چه تصمیمات خاصی این هدفمندی را منعکس می‌کنند و از چه راه‌هایی می‌توان آن‌ها را تقویت کرد؟	
چه انتقادات بالقوه‌ای ممکن است در مورد طرح پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، یا فرایند تحلیلی من مطرح شود؟ چگونه می‌توان آن‌ها را پیش‌بینی کرد و به آن‌ها پاسخ داد؟	
آیا در مورد طرح پژوهش (از جمله محدودیت‌های روش‌شناختی یا مفهومی احتمالی)، با مشاوران یا همکاران پژوهشی گفت‌وگو (انتقادی) شده است؟	تأییدپذیری
آیا یک نقشه راه از پیش تعیین شده برای پژوهش تدوین شده است؟ آیا این نقشه راه هنگام اعمال بر داده‌ها، بر یافته‌ها تأثیر می‌گذارد؟ اگر چنین است، از چه راه‌هایی؟ و چگونه می‌توان این تأثیرات را کاهش داد؟	
آیا شخص دیگری می‌تواند به نتایج یا تفاسیر مشابهی برسد؟ دیدگاه آنان از چه جهاتی ممکن است متفاوت باشد؟ چه کسی را می‌توان در مطالعه دخیل کرد تا تفسیرها را به‌طور انتقادی ارزیابی کند؟	
در چه مراحل باید هم‌سالان را برای تأمل در مورد ذهنیت و جایگاه خود در مطالعه درگیر کرد؟	

جدول ۶. معیارها و تکنیک‌های روایی و پایایی در دستیابی به قابل‌اعتماد بودن پژوهش (گوبا، ۱۹۸۱: ۸۸)

پایایی		روایی	
پایایی بیرونی	پایایی درونی	روایی بیرونی	روایی درونی
دنباله ارزیابی/ارزیابی تأییدی مثلث‌بندی دفتر وقایع بازتابی	پیگیری ممیزی/ممیزی استعلام تکرار گام‌به‌گام توافق همکاران دفتر چه ثبت وقایع	توضیحات جامع نمونه‌گیری هدفمند گزارش بازتابی	مشارکت طولانی‌مدت مشاهده مستمر مثلث‌سازی گزارش‌گیری از هم‌تایان تحلیل مورد منفی کفایت ارجاعات بررسی اعضاء یادداشت‌های بازتابی

به عقیده گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) قابل‌اعتماد بودن، دقت پژوهش را برای مطالعات کیفی نظریه‌پردازی در یک الگوی پژوهش طبیعت‌گرایانه^۱ تعریف می‌کند و تلاش می‌کند تا اعماق رفتار انسان را بررسی کند. در پژوهش‌های کیفی، قابل‌اعتماد بودن، به باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری داده‌ها و تفاسیر آن اشاره دارد. این چهار معیار، معادل‌های جایگزین در

ارزشیابی کمی دارند که به‌طور سنتی با پارادایم پژوهش عقل‌گرایانه^۱ مرتبط است. گوبا (۱۹۸۱)، معادل هر یک از این الگوها را با جنبه‌های پدیدارشناسی مطرح کرده است (جدول ۷).

جدول ۷. معادل‌سازی معیارهای ارزیابی صحت و دقت علمی مطالعات کیفی و مبانی پارادایمی پژوهش (گوبا، ۱۹۸۱)

جنبه‌های پدیدارشناسی	الگوی عقل‌گرایی (پراگماتیسم)	الگوی طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم)
ارزش حقیقت	روایی درونی	باورپذیری
کاربردپذیری	روایی بیرونی	انتقال‌پذیری
ثبات و سازگاری	پایایی	اطمینان‌پذیری
بی‌طرفی	عینیت‌گرایی	تأییدپذیری

تضمین اعتبار در پژوهش‌های کیفی برای محققانی که به دنبال کاوش در پیچیدگی‌های رفتار و تجربیات انسانی هستند، از اهمیت بالایی برخوردار است. چارچوب لینکلن و گوبا مجموعه‌ای جامع از معیارها را ارائه می‌دهد که محققان می‌توانند برای افزایش دقت و اعتبار مطالعات کیفی خود از آن‌ها استفاده کنند و با به‌کارگیری استراتژی‌هایی مانند مشارکت طولانی‌مدت، بررسی اعضا، گزارش‌گیری هم‌تا و مثلث‌سازی، می‌توانند اعتبار یافته‌های خود را افزایش دهند و اطمینان حاصل کنند که آن‌ها به‌طور دقیق نمایان‌گر دیدگاه‌ها و تجربیات شرکت‌کنندگان هستند. بدین ترتیب، شرح مفصل زمینه پژوهش و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، قابلیت انتقال را ارتقاء می‌دهد و خوانندگان را قادر می‌سازد تا ارتباط یافته‌ها را در محیط‌های مختلف ارزیابی کنند. به‌علاوه، قابلیت اطمینان با حفظ یک فرایند پژوهش شفاف و مستند (شامل توضیحات واضح از طرح پژوهش، رویه‌های جمع‌آوری داده‌ها، و تکنیک‌های تحلیلی)، تقویت می‌شود. استفاده از مسیرهای ارزیابی و مشارکت در فرایندهای بررسی هم‌تا، قابلیت اطمینان پژوهش را افزایش می‌دهد و امکان ردیابی و تکرارپذیری بالقوه را فراهم می‌کند. برای کاهش سوگیری‌ها و ذهنیت‌گرایی، محققان باید رویکردی انعکاسی بگیرند و ارزش‌ها، فرضیات، و سوگیری‌های بالقوه خود را بپذیرند. این امر، قابلیت تأیید را تقویت می‌کند و تضمین می‌کند که یافته‌های پژوهش عینی هستند و بیش از حد از دیدگاه‌های محققان تأثیر نمی‌گیرند. به هر حال، آنچه مهم است تشخیص قابلیت اعتماد یک فرایند مداوم و تکرارشونده است که محققان را ملزم می‌کند به‌طور مستمر شیوه‌های پژوهشی خود را منعکس، اصلاح، و تطبیق دهند. علاوه بر این، از آن‌جا که پیشرفت‌های فناوری و تغییرات اجتماعی هم‌چنان چشم‌انداز پژوهش‌های کیفی را شکل می‌دهند، محققان باید چالش‌های اخلاقی را پشت سر بگذارند و استراتژی‌های خود را برای حفظ قابلیت اعتماد تطبیق دهند. در نتیجه، قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی به‌مثابه بستری برای ایجاد بینش‌های معنادار و پیشرفت دانش در رشته‌های مختلف عمل می‌کند و محققان با پایبندی به چارچوب لینکلن و گوبا، می‌توانند اعتبار، تعمیم، اعتماد، و کنترل مطالعات کیفی خود را افزایش دهند و به درک عمیق‌تر پیچیدگی‌های رفتار و تجربیات انسانی کمک کنند.

• قابلیت اعتبار: ایجاد حقیقت

قابلیت اعتبار به‌میزانی اشاره دارد که یافته‌ها به‌طور دقیق تجربیات یا دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهند. لینکلن و گوبا استدلال می‌کنند که اعتبار را می‌توان از طریق چندین استراتژی، از جمله تعامل طولانی‌مدت، مشاهده مداوم، گزارش‌گیری هم‌تا،

بررسی اعضا و مثلث‌سازی، افزایش داد. مشارکت طولانی مدت و مشاهده مداوم شامل صرف زمان قابل توجهی در میدان است که به محققان اجازه می‌دهد درک عمیقی از زمینه پژوهش ایجاد کنند. گزارش‌گیری از همتایان شامل جست‌وجوی بازخورد از محققان دیگر برای دستیابی به دیدگاه‌های مختلف و کاهش سوگیری است. بررسی اعضا، که در آن شرکت‌کنندگان تفاسیر محقق را بررسی می‌کنند، اعتبارسنجی شرکت‌کننده را ارتقاء می‌دهد. در نهایت، مثلث‌بندی شامل استفاده از منابع متعدد داده (مثلث‌بندی داده‌ها) یا چندین محقق (مثلث‌بندی محقق) برای تأیید یافته‌ها است که اعتبار پژوهش را افزایش می‌دهد.

• قابلیت انتقال: تعمیم‌پذیری در زمینه

قابلیت انتقال به میزانی اشاره دارد که یافته‌ها می‌توانند به زمینه‌ها یا جمعیت‌های دیگر اعمال یا تعمیم داده شوند. درحالی‌که پژوهش‌های کیفی معمولاً بر کاوش عمیق به جای تعمیم آماری تمرکز دارند، انتقال‌پذیری همچنان برای درک ارتباط یافته‌ها در محیط‌های مختلف مهم است. محققان می‌توانند با ارائه توصیفات غنی و مفصل از زمینه پژوهش، شرکت‌کنندگان، و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، قابلیت انتقال‌پذیری را افزایش دهند. هدف این است که مخاطبان بتوانند میزان هم‌سویی یافته‌ها با زمینه‌ها یا جمعیت‌های خود را ارزیابی کنند.

• قابلیت اعتماد: تضمین ثبات و پایداری

قابلیت اعتماد به ثبات و پایداری فرایند پژوهش و یافته‌ها در طول زمان مربوط می‌شود. برای افزایش قابلیت اعتماد، محققان باید اطمینان حاصل کنند که فرایند پژوهش به‌خوبی مستند و شفاف است. این شامل ارائه شرح روشی از طرح پژوهش، رویه‌های جمع‌آوری داده‌ها، و تکنیک‌های تحلیلی است. استفاده از یک دنباله ارزیابی - که فرایندهای تصمیم‌گیری و اصلاحات را در طول مطالعه ثبت می‌کند - می‌تواند با امکان ردیابی و تکرار بالقوه مطالعه، قابلیت اعتماد را افزایش دهد.

• قابلیت تأیید: مقابله با سوگیری و ذهنیت

قابلیت تأیید به عینیت یافته‌های پژوهش اشاره دارد و تضمین می‌کند که آن‌ها به‌طور بی‌جهت تحت تأثیر سوگیری‌ها یا پیش‌داوری‌های محققان قرار نمی‌گیرند. برای دستیابی به قابلیت تأیید، محققان باید بازتاب‌پذیری را تمرین کنند و ارزش‌ها، فرضیات، و سوگیری‌های بالقوه خود را بپذیرند. حفظ یک دنباله ارزیابی و مشارکت در فرایندهای گزارش‌گیری یا بررسی همتا می‌تواند به شناسایی و رفع سوگیری‌های بالقوه کمک کند و قابلیت اعتماد پژوهش را افزایش دهد.

راهکارهای انطباق چهار معیار کیفی لینکلن و گوبا

برای انطباق چهار معیار کیفی لینکلن و گوبا (باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری) با یک مثال در پژوهش کیفی، از فرایندی تکرارشونده و متمرکز بر تعامل با داده‌ها استفاده می‌شود:

۱. برای افزایش **باورپذیری** می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

- **تطبیق طولانی مدت**^۱: با حضور مداوم و طولانی مدت در محیط پژوهش، مدت زمان کافی صرف مشاهده و مصاحبه شود تا درک عمیق از پدیده‌ها و فهم دقیق از تجربیات مشارکت‌کنندگان به دست آید.
- **بررسی همتایان**^۲: یافته‌های اولیه با همکاران پژوهشی یا اساتید دیگر در میان گذاشته شود تا دیدگاه آنان در مورد اعتبار یافته‌ها به کار گرفته شود.

1. Long-term adaptation

2. Peer Debriefing (Double Check)

- **بازنگری اعضاء**^۱: یافته‌های پژوهش با شرکت‌کنندگان در میان گذاشته و نظر آنان دریافت شود.
- **مستندسازی**^۲: تمام فرایند پژوهش - از جمله نحوه جمع‌آوری داده‌ها و تفسیر آن‌ها به‌طور کامل مستند شود تا شفافیت و اعتبار آن افزایش یابد.
- **مثلث‌سازی**^۳: استفاده از روش‌ها، داده‌ها، نظریه‌ها، و محققان مختلف برای بررسی یک پدیده اعتبار پژوهش را افزایش می‌دهد.

۲. برای افزایش **انتقال‌پذیری** یافته‌های پژوهش می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

- **توصیف غنی**^۴: توصیفات غنی و جزئی از زمینه پژوهش ارائه شود تا شرکت‌کنندگان بتوانند یافته‌ها را به جمیع جوانب زمینه موضوعی تحقیق تعمیم دهند.
- **توصیف عمیق زمینه**^۵: تمام جنبه‌های مرتبط (مثل شرایط اقتصادی، اجتماعی، و تکنولوژیکی)، به‌طور دقیق توصیف شود.
- **نمونه‌گیری با حداکثر تنوع**^۶: انتخاب افراد با دیدگاه‌ها و تجربیات مختلف و ویژگی‌های متنوع (سابقه کار، منطقه جغرافیایی، و مانند آن‌ها) تعمیم یافته‌های پژوهش را در زمینه‌های گوناگون گسترش می‌دهد.

۳. برای افزایش **اطمینان‌پذیری** می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

- **پوشه‌نگاری**^۷: تمام مراحل جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌گونه‌ای حفظ، مستند، و قابل پیگیری شود که یک محقق دیگر بتواند فرایند پژوهش را بازسازی کند.
- **انعکاس‌دهی**^۸: در دفترچه میدانی پژوهش، همه اتفاقات - از جمله مشاهدات، افکار، احساسات، و سوگیری‌های احتمالی - ثبت شود تا شفافیت فرایند پژوهش افزایش یابد.
- **پیگیری ارزیابی**^۹: در روند فرایند پژوهش، مراحل پژوهش توصیف، بازنگری، و ارزیابی مستمر شود.

۴. برای افزایش **تأیید‌پذیری** می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

- **بازبینی همتایان**: یافته‌های پژوهش با همکاران پژوهشی یا اساتید دیگر در میان گذاشته شود تا دیدگاه آنان در مورد اعتبار یافته‌ها به کار گرفته شود.
- **بازنگری همکاران**: یافته‌های پژوهش با شرکت‌کنندگان در میان گذاشته شود و نظر آنان دریافت شود تا تأیید شود یافته‌ها منعکس‌کننده شواهد و نه سوگیری‌های پژوهشگر بوده است.

چنان‌چه مشاهده می‌شود، در این مثال از اعتبار محتوایی با انجام بازبینی مستمر داده‌ها توسط محقق و تشکیل گروه متمرکز برای بحث درباره یافته‌ها استفاده شده است. همچنین، برای انتقال‌پذیری، جزئیات توصیفی عمیق از شرایط مشارکت‌کنندگان و مصاحبه‌های نمونه‌ای به کار گرفته می‌شود. اطمینان‌پذیری با ثبات داده‌های جمع‌آوری‌شده و انعکاس‌دهی در دفترچه میدانی به

1. Member Check
2. Documentation
3. Triangulation
4. Thick Description
5. Context in-depth description
6. Maximum Variation Sampling
7. Filing
8. Reflection
9. Audit Trail

دست می‌آید و تأییدپذیری از طریق بازبینی همتایان و مطابقت یافته‌ها با روش تشکیل گروه متمرکز افزایش می‌یابد. «پژوهشگر خودآگاه»^۱، برای روشن ساختن سوگیری‌های پژوهش و اشاره مستقیم به جهت‌گیری‌ها و تمایلات شخصی - که ممکن است بر روند و نتایج پژوهش تأثیر بگذارد - ضمن شناسایی و تحلیل موارد داده‌ای که با فرضیات موجود در تضاد هستند، با استفاده از «تحلیل موارد منفی»^۲، پیش فرض‌های خود را براساس شواهد و مشاهدات مورد اصلاح قرار می‌دهد. جدول ۸ به مقایسه معیارهای سنتی ارزشیابی در پژوهش‌های کمی با معیارهای جایگزین ارزیابی در پژوهش‌های کیفی می‌پردازد.

جدول ۸. مقایسه معیارهای روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی و کیفی (تروخیم^۳، ۲۰۲۵)

معیارهای سنتی ارزشیابی در پژوهش‌های کمی	معیارهای جایگزین ارزیابی در پژوهش‌های کیفی
روایی درونی	باورپذیری
روایی بیرونی	انتقال‌پذیری
پایایی	اطمینان‌پذیری
عینیت	تأییدپذیری

انتقادات و حمایت‌ها معیارهای ارزیابی لینکلن و گوبا

به پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه از دریچه معیارهای ارزیابی لینکلن و گوبا، هم حمایت و هم انتقاد شده است، آن‌چنان که این چارچوب - با تأکید بر مفاهیم تطبیق، تعمیم، فهم، و کنترل داده‌ها - مجموعه‌ای جامع از استانداردها را برای ارزیابی اعتبار پژوهش‌های کیفی در اختیار محققان قرار داده است (لیونگ^۴، ۲۰۱۵، ۳۲۴-۳۲۷). با این حال، علی‌رغم این دستورات عملی، پژوهش‌های کیفی بیشتر با شک و تردید در مورد اعتبار و پایایی خود روبه‌رو بوده‌اند:

طرفداران پژوهش‌های کیفی استدلال می‌کنند که معیارهای لینکلن و گوبا، پایه و اساسی محکم برای تضمین دقت در پژوهش‌های کیفی ایجاد می‌کنند. چنان‌که با تمرکز بر آن‌ها، محققان می‌توانند صحت و دقت یافته‌های خود را (از راه روش‌هایی نظیر مثلث‌بندی و بررسی اعضا)، نشان دهند که باعث افزایش اعتماد کلی به نتایج پژوهش می‌شود (شتون، ۲۰۰۴، ۶۳-۷۵). هم‌چنین، تأکید بر قابلیت انتقال، امکان به‌کارگیری یافته‌های یک مطالعه را در زمینه‌های دیگر فراهم می‌کند و ارتباط و درک وسیع‌تری را در این زمینه تقویت می‌کند (الکساندر^۵، ۲۰۱۹، ۱-۶). به‌علاوه، شناخت روزافزون روش‌های کیفی در رشته‌های مختلف، اهمیت آن‌ها را در کاوش پدیده‌های پیچیده اجتماعی - که نمی‌توان آن‌ها را تنها با روش‌های کمی به دست آورد - برجسته می‌کند. همان‌گونه که آگی^۶ (۲۰۰۹) اشاره کرده است: پژوهش‌های کیفی می‌توانند به سؤالات مهم و به‌موقعی بپردازد که در زمینه آموزش کارشناسی و فراتر از آن طنین‌انداز شوند. حال آن‌که، علی‌رغم حمایت از روش‌های کیفی، انتقادات در مورد عدم دقت این روش پژوهش همچنان ادامه دارد. منتقدان استدلال می‌کنند ماهیت ذهنی پژوهش‌های کیفی، اعتبار آن را تضعیف می‌کند و یافته‌ها می‌توانند از سوگیری محقق تأثیر گیرند و ایجاد یک مبنای مستحکم برای تعمیم را دشوار کنند (شارما و دیگران^۷، ۲۰۲۳، ۷۵-۸۲). برخی از محققان ادعا می‌کنند که بدون پایبندی دقیق به معیارهای لینکلن و گوبا، مطالعات کیفی ممکن است بدون روایی و پایایی لازم برای «قابل

1. Researcher Reflexivity
2. Negative Case Analysis
3. Trochim
4. Leung
5. Alexander
6. Agee
7. Sharma and et al

اعتمادبودن» باشند. همچنین، اصرار بر تمرکز پیش‌بینی - به همان نحوی که لینکلن و گوبا پیشنهاد کرده‌اند - از سوی طرفداران نظریه زمینه‌ای^۱ - که معتقدند مشکلات پژوهش باید به‌صورت ارگانیک در طول فرایند پژوهش ظاهر شوند، نه آن‌که از پیش تعیین شده باشند - به چالش کشیده شده است (ادلر، ۲۰۲۲، ۵۹۸-۶۰۲). این واگرایی، سؤالاتی را در مورد انعطاف‌پذیری و سازگاری طرح‌های پژوهش کیفی مطرح می‌کند که برخی از منتقدان، آن را به عنوان یک محدودیت بالقوه در مطالعات کیفی دانسته‌اند. به‌رغم آن‌که چارچوبی که لینکلن و گوبا ایجاد کرده‌اند، به‌طور قابل توجهی شیوه‌های پژوهش کیفی معاصر را شکل داده و بر نحوه ارزیابی دقت و اعتبار مطالعات محققان تأثیر گذاشته است تا آن‌جا که چهار معیار باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری، با تأکید بر اهمیت زمینه و ماهیت ذهنی تجربیات انسانی، به‌مثابه‌ارکان اساسی برای ارزیابی پژوهش کیفی عمل می‌کنند. معیارهای لینکلن و گوبا نه تنها بر ارزیابی پژوهش‌های کیفی تأثیر گذاشته‌اند، بلکه محققان را تشویق کرده‌اند تا روش‌های متنوعی را برگزینند که زمینه، مشارکت، و فرایندهای تکراری تجزیه‌وتحلیل داده‌ها را در اولویت قرار می‌دهد (کورسجنس و موزر^۲، ۲۰۱۸، ۱۲۴-۱۲۰). بدین ترتیب، این تغییرات توانسته است درک دقیق‌تر از داده‌های کیفی را تسهیل کرده و به محققان اجازه دهد تا پدیده‌های اجتماعی پیچیده و تجربیات انسانی را به‌طور عمیق بررسی کنند. بنابراین، چارچوب لینکلن و گوبا رویکرد دقیق‌تر و تأمل‌برانگیزتر به پژوهش کیفی را ترویج کرده و فضایی را ایجاد کرده است که در آن، پژوهش‌های کیفی (در کنار روش‌های کمی) در رشته‌های مختلف ارزشمند تلقی می‌شوند.

۶. بحث و جمع‌بندی

پژوهش‌های کیفی بخشی از قلمروی علوم اجتماعی است که از رویه‌های کلی در دیگر پژوهش‌های اجتماعی تقلید می‌کنند که این ویژگی‌ها، بسیار متمایزتر و در تضاد با سایر روش‌های انجام دیگر پژوهش‌های اجتماعی است. حال آن‌که شیوه‌های کاری متضاد همراه با نگرش‌های جایگزین، به‌گفت‌وگویی مداوم درباره تفاوت‌های بین آن‌چه که به عنوان روش‌های کیفی و کمی رایج است، منجر شده است. به عقیده بین (۲۰۲۱)، این الگوهای علمی، محققان کیفی را به‌مثابه افرادی که تمایل به پیروی از دیدگاه نسبی‌گرایانه دارند، و محققان کمی را به‌مثابه افرادی که تمایل به پیروی از دیدگاه اثبات‌گرایانه دارند به تصویر می‌کشد. بر این اساس، محققان کیفی فرض کرده‌اند که پژوهش‌های کمی - در تلاش خود برای استفاده از معیارهایی که به‌دنبال ایجاد روابط علت و معلولی هستند - به‌سمت تمرکز بر جنبه‌های انسانی سوق داده شده‌اند. در مقابل، محققان کمی نیز یافته‌های تحقیقات کیفی را - در پابندی به واقعیت‌ها و پیچیدگی امور انسانی و استفاده از مفاهیم از پیش تعیین‌شده - غیرقابل اعتماد می‌بینند. در این میان، لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) برای به‌دست‌آوردن تصویر واضح‌تری از جایگاه پژوهش کیفی در قلمروی وسیع پژوهش‌های اجتماعی، معیارهایی را معرفی کرده‌اند که در باورپذیری، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری، و اطمینان‌پذیری پژوهش‌های کیفی براساس ارزیابی علمی قابلیت اعتبار (روایی) و اطمینان (پایایی) داده‌های تحقیق مؤثر بوده است.

بررسی روایی و پایایی در میان محققان عمدتاً به‌معنای تأیید این است که آن‌ها آن‌چه را بیان می‌کنند که متن هم همان را گفته است. به‌علاوه، هدف دیگر از دریافت بازخورد می‌تواند کسب بینش‌ها و واکنش‌های بیشتر باشد. چراکه اکنون نتایجی قابل مشاهده است که برای اولین بار آنان گردآوری کرده‌اند. در این شرایط، ممکن است پیش‌فرض‌هایی به اشتراک گذاشته شود، به‌رغم آن‌که در دسترس قرار دادن کل پیش‌فرض‌ها می‌تواند نتایج غیرمنتظره‌ای به‌همراه داشته باشد. زیرا همکاران و همتایان ممکن است آن را بیش

از حد آکادمیک و از این نظر منحرف از درک خود از واقعیت بدانند. بنابراین، اگر لازم است تا پیش‌فرض‌ها به اشتراک گذاشته شوند، باید قبل از اشتراک‌گذاری معرفی شوند و درباره جهت‌گیری آن‌ها بحث شود. همچنین باید پیش‌بینی شود که اگر گروه‌های هم‌تایان با بخش‌های مهم پیش‌فرض‌ها - به‌ویژه بخش‌هایی که ممکن است به تخصص ایشان مرتبط نباشد - مخالف باشند، واکنش شایسته کدام است. حال آن‌که کسانی که از شیوه ارائه محتوا یا روش‌های مطالعه محقق آگاه هستند، و یا کسانی که فقط حس تحلیلی قوی یا نگاه انتقادی به پژوهش دارند ممکن است مشابه کسانی باشند که پژوهش را تنها به منزله یک داور بررسی می‌کنند. این در حالی است که پژوهش‌های علوم اجتماعی در پایبندی به داوری هم‌تایان «منحصربه‌فرد» نبوده و رویه‌های داوری در تمام زمینه‌های پژوهشی دیگر و همچنین در آثار اصناف و جرف وجود دارد که در حرفه‌های عملی می‌توانند بسیار سخت‌گیرانه باشند. از این رو داشتن یک همکار پژوهشی و یا گروه هم‌تای ارائه بازخورد و نیاز به اصلاح و بازنگری در ترکیب و نتیجه آن بازخورد، ناگزیر پژوهش را تقویت خواهد کرد. لذا از آن‌جا که هر پژوهش ذیل نام محقق آن پژوهش ظاهر می‌شود و نه نام داوران هم‌تایان، از این نظر بهره‌مندی از راهنمایی دیگران و بازخورد داوران - صرف نظر از محتوای بازخوردها و پاسخ‌ها - به محقق کمک می‌کند تا در رهیافت دستیابی به یک پذیرش جامع و تأیید کامل نائل آید.

۷. نتیجه‌گیری

بحث‌های بسیاری در میان روش‌شناسان در مورد ارزش و مشروعیت مجموعه جایگزین معیارهای ارزیابی صحت و دقت علمی مطالعات کیفی (لینکلن و گوبا) وجود داشته است. چنان‌که از یک‌سو، بسیاری از محققان کمی، معیارهای جایگزین را صرفاً تنها تغییر نام معیارهای کمی بسیار موفق می‌دانند که تنها به پژوهش‌های کمی محدود نمی‌شوند و می‌توانند به همان اندازه برای داده‌های کیفی نیز به‌خوبی اعمال شوند تا مشروعیت بیش‌تری برای پژوهش‌های کیفی کسب کنند. از سوی دیگر، معیارهای جایگزین، دیدگاه فلسفی متفاوتی را نشان می‌دهند که ماهیتاً ذهن‌گرایانه است تا واقع‌گرایانه. زیرا بر این عقیده‌اند که پژوهش، ذاتاً فرض می‌کند که واقعیتی وجود دارد که مشاهده می‌شود و می‌توان آن را با دقت یا اعتبار بیش‌تر یا کم‌تر مشاهده کرد. لذا اگر این فرض وجود نداشته باشد، در واقع پژوهشی اتفاق نیفتاده است. اگرچه این بدان معنا نیست که کاری که انجام شده ارزشمند یا مفید نیست.

شاید این استدلال مخالف، تا حدودی مشروعیت داشته باشد. بنابراین بدیهی است که خوانش گسترده از معیارهای کمی سنتی می‌تواند آن‌ها را برای استفاده در حوزه کیفی نیز مناسب کند، لیکن از نظر تاریخی، معیارهای کمی سنتی، منحصراً براساس پژوهش‌های کمی توصیف شده‌اند و هنوز هم هیچ ایده یا نظریه‌ای در مورد چگونگی اعمال همین معیارها در زمینه‌های پژوهش‌های کیفی، انجام نشده است. برای مثال، بحث‌های مربوط به «اعتبار بیرونی» در سلطه ایده «نمونه‌گیری آماری» به‌عنوان مبنایی برای «تعمیم» قرار گرفته‌اند و یا ملاحظات مربوط به «پایایی کیفی» به‌طور سنتی با مفهوم نظری «نمره‌دهی» یا «وزن واقعی» پژوهش‌های کمی، پیوند ناگسستنی داشته‌اند. اما محققان کیفی، در مورد بی‌ربط بودن معیارهای کمی سنتی با ارزیابی علمی پژوهش‌های کیفی نکته‌ای دارند و آن این‌که، چگونه می‌توان اعتبار بیرونی یک مطالعه کیفی را - که از روش‌های نمونه‌گیری رسمی استفاده نمی‌کند - قضاوت کرد؟ و چگونه می‌توان پایایی داده‌های کیفی را قضاوت کرد. آن هم زمانی که هیچ سازوکاری برای تخمین نمره واقعی وجود ندارد؟

و هیچ‌کس توضیح کافی در این باره نداده است که چگونه رویه‌های عملیاتی استفاده‌شده برای ارزیابی روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی را می‌توان به عملیات متناظر مشروع برای پژوهش‌های کیفی تبدیل کرد!

اگرچه معیارهای جایگزین ممکن است در نهایت ضروری نباشند و یا گاهای ممکن است در مواردی مبهم و گیج‌کننده به نظر برسد، لیکن این معیارهای جایگزین به ما یادآوری می‌کنند که پژوهش‌های کیفی را نمی‌توان - به‌سادگی - تنها گسترش الگوهای کمی به حوزه داده‌های غیرعددی دانست. به نظر می‌رسد با مطالعات و پژوهش‌های بیش‌تر بتوان الگوی واحد معیارهای سنتی را به‌طور مشروع در طیف رویکردهای پژوهش‌های اعمال کرد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

چارچوب لینکلن و گوبا رویکردی ساختارمند برای ارزیابی کیفیت مطالعات کیفی از طریق این چهار معیار کلیدی ارائه می‌دهد که این معیارها - به‌مثابه ستون‌هایی برای پژوهش - از دقت و اعتبار نتایج پژوهش کیفی پشتیبانی می‌کنند. چنان‌که باورپذیری بر صحت و دقت یافته‌ها تمرکز دارد و انتقال‌پذیری به میزانی اشاره دارد که یافته‌ها را می‌توان به سایر زمینه‌ها یا جمعیت‌ها تعمیم داد و اطمینان‌پذیری بر ثبات و پایداری فرایند پژوهش در طول زمان تأکید می‌کند و تأییدپذیری به میزانی اشاره دارد که یافته‌ها می‌توانند از سوی دیگران تأیید (یا رد) شوند. از این رو در به‌کارگیری معیارهای لینکلن و گوبا در ارزیابی صحت و دقت علمی مطالعات کیفی پیشنهاد می‌شود:

۱. محققان تشویق شوند تا صحت موضع انعکاسی - انتقادی خود را حفظ کنند و به‌طور مداوم در مورد سوگیری‌های خود و تأثیری که این سوگیری‌ها ممکن است بر یافته‌های پژوهشی آن‌ها داشته باشند، تأمل کنند (باورپذیری).
۲. یافته‌های خاص حاصل از کاربست معیارهای ارزیابی قابل‌اعتماد بودن پژوهش لینکلن و گوبا، به چارچوب‌های نظری گسترده‌تر، از تعمیم‌پذیری بینش‌ها در زمینه‌های مشابه پشتیبانی می‌کند، مرتبط شوند (انتقال‌پذیری).
۳. تمرکز بر قابلیت اعتبار و اعتماد تضمین می‌کند که روش‌ها به‌طور مستمر در طول مطالعه اعمال شده است. لذا در پژوهش‌های کیفی، اهمیت و ضرورت تعیین دقت علمی مطالعات براساس معیارهای اعتبار و اعتماد، از سوی محققان و مربیان توجه و تأکید شود (اطمینان‌پذیری).
۴. با تقویت یک رویکرد شفاف و مشارکتی در فرایند پژوهش، صداقت و اعتبار یافته‌ها تقویت شود (تأییدپذیری).

سپاسگزاری: با تشکر از تمامی کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری داده‌اند.

تعارض منافع: پژوهشگران مقاله در اجرای پژوهش تعارض منافی نداشته‌اند.

فهرست منابع

- استراس، آ. و کوربین، ج. ام. (۱۳۹۳). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، (ترجمه ب. محمدی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (انتشار اصل اثر: ۱۹۹۰).
- خاکی، غ. (۱۴۰۱). روش تحقیق (با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی). نشر فوژان.
- خاکی، غ. (۱۴۰۳). روش تحقیق در مدیریت. نشر فوژان.
- سرمد، ز.، بازگان‌هرندی، ع.، و حجازی، الف. (۱۴۰۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. آگه.
- نوراد صدیق، م.، نوه ابراهیم، ع.، آراسته، ح.، و زین آبادی، ح. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های توسعه مدیران با استعداد مدارس غیردولتی با رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد؛ ارائه الگو. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، (۲۰)۵، ۵۳-۷۰.
- عباس‌زاده، م.، و شمسی‌متنق، ف. (۱۴۰۰). دقت‌مندی در تحقیقات کیفی. جامعه‌شناسی ایران، (۲)۲۱، ۶۷-۹۵.
- فراستخواه، م. (۱۴۰۴). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی (با تأکید بر نظریه برپایه) گراند تئوری GTM. نشر آگه.

- گال، م. د.، بورگ، و. و. گال، ج. (۱۴۰۳). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (دو جلدی). (ترجمه الف. نصر، ح. عریضی، م. پاک‌سرشت، ع. کیامنش، خ. باقری، م. علامت‌ساز، ع. دلاور، و غ. خوی‌نژاد): انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) (انتشار اصل اثر: ۲۰۰۷).
- میسون، ج. (۱۴۰۲). روش تحقیق کیفی. (ترجمه م. حیدریور کلیدسر، و م. حیدریور کلیدسر). شهرآب (انتشار اصل اثر: ۲۰۱۷).
- Adler, R. H. (2022). Trustworthiness in qualitative research. *Human Lactation*, 38(4), 598-602.
- Agee, J. (2009). Developing qualitative research questions: A reflective process. *International journal of qualitative studies in education*, 22(4), 431-447.
- Alexander, A. P. (2019). Lincoln and Guba's quality criteria for trustworthiness. *IDC International Journal*, 6(4), 1-6.
- Arminio, J. L., & F. H. Hultgren (2002). Breaking Out from the Shadow: The Question of Criteria in Qualitative Research. *Journal of College Student Development*, 43, 446-456.
- Arslan, E. (2025). Validity and reliability in qualitative research, *Pamukkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, 69(1), 383-394.
- Avizienis, A., Laprie, J. C., Randell, B., & Landwehr, C. (2004). Basic concepts and taxonomy of dependable and secure computing. *IEEE transactions on dependable and secure computing*, 1(1), 11-33.
- Belcher, J. (1991), Understanding the Process of Social Drift among the Homeless: A Qualitative Analysis, In E. Sherman & W. J. Reid (Eds.), *Qualitative Research in Social Work*. Columbia University Press.
- Creswell, J. W. (2015). *Steps in conducting a scholarly mixed methods study*, University of Nebraska Pub.
- Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 39(3), 124-130.
- Denzin, N. (1989). *The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods*, (Third Eds.) Englewood Cliffs. Prentice Hall.
- Denzin, N. K. (2008). *The landscape of qualitative research* (Vol. 1). Sage.
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2011). *The Sage handbook of qualitative research*. sage.
- Enworo, O. C. (2023). Application of Guba and Lincoln's parallel criteria to assess trustworthiness of qualitative research on indigenous social protection systems. *Qualitative research journal*, 23(4), 372-384.
- Flanagin, A. J., & Metzger, M. J. (2008). *Digital media and youth: Unparalleled opportunity and unprecedented responsibility* (pp. 5-27). MacArthur Foundation Digital Media and Learning Initiative.
- Forero A, R., Triana Perdomo, L. A., & Jiménez-Cuadros, L. K. (2025). *Integrating Learning and Knowledge Technologies in Hybrid Classical Language Education: A Case Study from the University of La Sabana*, Sabana University Ansttute & Press (SUAP).
- Gall, M. D.; Borg, W. R. & Gall, J. P. (2007). *Educational research: an introduction*, (translated by A. Nasr, et al), The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities (SAMT). [In Persian]
- Glaser, B. G. (2007). Naturalist inquiry and grounded theory. *Historical Social Research/Historische Sozialforschung. Supplement*, 114-132.
- Glesne, C., & Peshkin, A. (1992). *Becoming Qualitative Researchers an Introduction*. Longman.
- Guba, E. G. (1981). Criteria for assessing the trustworthiness of naturalistic inquiries. *Educational Technology Research and Development*, 29(2), 75-91.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. Sage.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Halliday, M.; Alexander K.; Matthiessen, C. M.; Halliday, M. & Matthiessen, C., (2014). *An introduction to functional grammar*. Routledge.

- Haq, Z. U., Rasheed, R., Rashid, A., & Akhter, S. (2023). Criteria for assessing and ensuring the trustworthiness in qualitative research. *International Journal of Business Reflections*, 4(2).
- Johnson, R. B., & L. B. Christensen (2008), *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*, (3rd Ed.). Sage.
- Kaufmann, A. (2025). Criteria of Trustworthiness: An introduction to trustworthiness according to Guba and Lincoln, Nürnberg: QDAcity. <https://qdacity.com/trustworthiness/>
- Kimchi J, B. Polivka, & J. S. Stevenson (1991). Triangulation: Operational Definitions. *Nursing Research*, 40, 364-366.
- Korstjens, I., & Moser, A. (2018). Series: Practical guidance to qualitative research. Part 4: Trustworthiness and publishing. *European Journal of General Practice*, 24(1), 120-124.
- Kvale, S., & Svend B. (2009). *InterViews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing*. (2th Eds.). Sage Publications.
- Lafaille, R. & Wildeboer, H. (1995). *Validity and reliability of observation and data collection in biographical research*. Internat. Inst. for Advanced Health Studies.
- Langtree, T., Birks, M., & Biedermann, N. (2019). Separating "fact" from fiction: Strategies to improve rigour in historical research. In *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research* (Vol. 20, No. 2, p. 17). DEU.
- Lather, P. (1993), 'Fertile Obsession: Validity after Poststructuralism' In, *The Sociological Quarterly*, 34(4), 673-693.
- Leung, L. (2015). Validity, reliability, and generalizability in qualitative research. *Journal of family medicine and primary care*, 4(3), 324-327.
- Lincoln, Y. S. & E. G. Guba, (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.
- Long, T., & Johnson, M. (2000). Rigour, reliability and validity in qualitative research. *Clinical effectiveness in nursing*, 4(1), 30-37.
- Mason, Jennifer (2017). *Qualitative researching*, (translated by M Heidarpour Kelidsar & M. Heidarpour Kelidsar), Shahrab. [In Persian]
- Maxwell, J. A. (1997). Designing a Qualitative Study. In L. Bickman & D. J. Rog (Eds.), *Handbook of applied social research methods* (pp. 69–100). Sage.
- Maxwell, J. A. (2004). *Qualitative Research Design: An Interactive Approache*, (2th Eds), Sage.
- Maxwell, J. A. (2020). The value of qualitative inquiry for public policy. *Qualitative Inquiry*, 26(2), 177-186.
- McLeod, S. (2024). *Metasynthesis of Qualitative Research*, UKRI Publication.
- Meloy, J, M. (1994), *Writing the Qualitative Dissertation: Understanding by Doing*. Lawrence Erlbaum.
- Mills, M. B. & Huberman M. (1994), *Qualitative Data Analysis: Sourcebook of New Methods*. Sage Publications Ltd.
- Morse, J. M. (2016). *Essentials of qualitatively-driven mixed-method designs*. Routledge.
- Neuman, L. (2006). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*. (3th Eds). Allyn and Bacon.
- Neuman, L. (2007), *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*. (2th Eds). Allyn & Bacon.
- Noble, H., & Smith, J. (2015). Issues of validity and reliability in qualitative research. *Evidence-based nursing*, 18(2), 34-35.
- Patton, M. Q. (2001). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. Sage Publication.
- Patton, M. Q. (2014). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice*. Sage publications.
- Pfeifer, M. A., & Dolan, E. L. (2023). *Venturing into Qualitative Research: A Practical Guide to Getting Started. Scholarship and Practice of Undergraduate Research*, 7 (1), 10–20.
- Rambaree, K. (2007). Bringing rigour in qualitative social research: The use of a CAQDAS. *University of Mauritius Research Journal*, 13, 1-16.
- Ravitch, S. M., & Carl, N. M. (2019). *Applied research for sustainable change: A guide for education leaders* (Vol. 237). Harvard Education Press.

- Ritchie, J. & Lewis, J. (2005), *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*. Sage Publications Ltd.
- Roller, M., & Roller, M. (2020). *Critical Thinking in Qualitative Research Design*, Sage.
- Sampoornam, W. (2018). Statistical methods adopted in psychometric property of instruments in nursing research. *International Journal of Nursing Education and Research*, 6(2), 151-152.
- Seale, C. (1999). Quality in Qualitative Research. *Qualitative Inquiry*, 5(4), 465-478.
- Sharma, U., Singh, A., & Yadav, A. (2023). Role of Higher Education Among Management Young Professionals in India: An Analytical Study on Employability Skills and Development. *Delhi Business Review*, 24(1), 75-82.
- Shenton, A. K. (2004). Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects. *Education for information*, 22(2), 63-75.
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. Sage Publication.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.
- Strauss, A. L. & Corbin, J. M (2014). *Basics of qualitative research*, (translated by B. Mohammadi), IHCS Pub. [In Persian]
- Stalmeijer, R. E., Brown, M. E., & O'Brien, B. C. (2024). How to discuss transferability of qualitative research in health professions education. *The clinical teacher*, 21(6), e13762.
- Remler, D. K., & Van Ryzin, G. G. (2021). *Research methods in practice: Strategies for description and causation*. Sage Publications.
- Tashakkori, A., & C. Teddlie (1998), *Mixed Methodology: Combining the Qualitative and Quantitative Approaches*. Sage.
- Teddlie, C. & A. Tashakkori (2009), *Foundations of Mixed Method Research: Integrating Quantitative and Qualitative Techniques in the Social and Behavioral Sciences*. Sage Publications.
- Tobin, G. A., & Begley, C. M. (2004). Methodological rigour within a qualitative framework. *Journal of advanced nursing*, 48(4), 388-396.
- Tracy, S. J. (2024). *Qualitative research methods: Collecting evidence, crafting analysis, communicating impact*. John Wiley & Sons.
- Trochim, William M. K., (2025). Research Methods Knowledge Base: Qualitative Validity, Conjointly, Sydney: Pty Ltd. <https://conjointly.com/kb/qualitative-validity/>
- Yin, Robert K. (2021). *Qualitative Research from Start to Finish*. Guilford Press.